مصدق رهبر آزادگان

دکتر حسن احمدی گیوی

یاد آن خجسته رهبر آزادگان کزو آزاده بود و عاشق آزادی و وطن‏ فرمان مام میهم و وجدان چو بر شنید اعلان جنگ داد به ضحاک روزگار! ایران به پای خاست به پیکار دشمنان‏ با ابتکار فاطمی و همّ هم‏دلان‏ زان نطق آتشین که به دیوان لاهه کرد با اتفاق و وحدت ملت،گرفت نفت‏ بی‏پول نفت،کشور ما را اداره کرد از همّت و سیاست و عزم و توان او چون برشکست دیو ستعمار کهنه کار در رزم آن حریف جهان‏خوار نابکار آن‏گاه بر رهایش شیلات کرد روی‏ خواندند مرد سال،ولی مرد قرن بود هم غرب زورپیشه،به رزمش سپرفکند افکند شور و ولوله،در قاره‏ی سیاه‏ شورید سخت تانزانیا و گانا و مصر داد از عراق و اندونزی خاست آن چنانک‏ آن‏گاه کرد وضع،قوانین ره گشای‏ پس برگشود دست به اصلاح مملکت‏ آوازه‏ی مبارزه‏ی بی‏امان او یک دم نیارمید ز پیکار دیو و دد کس را نماند زهره‏ی غارت در این دیار بشکست کرّو فرّ ستبداد و ارتجاع‏ سرتاسر افتخار بود کارنامه‏اش‏ سی ماه دولتش ره صد ساله کرد طی‏ یاران نیمه راه و حریفان تیره رای‏ نهضت شکست خورد و عدو بازگشت باز رنج و تلاش رهبر و ملت به باد رفت‏ امواج درد میهن و تبعید و حبس و زجر تا هم‏چو روز سرد و سیه،روح پاک او یادش هنوز همت و نیرو دهد به ملک‏ از ما به روح پاک مصدق درود باد! چون گل شکفت طبع خزان سوز احمدی

وحدت پدید آمد و ملت توان گرفت‏ زان روی،نام رهبر آزادگان گرفت‏ از جان به عهده،رهبری کاروان گرفت‏ تا پیر ما به کف،علم کاویان گرفت‏ نهضت به پایمردی او سازمان گرفت‏ ملی نمود نفت و ز دشمن امان گرفت‏ از خصم اختیار به سحر بیان گفت‏ آری به اتفاق جهان می‏توان گرفت‏ انگشت حیرت،اهل نظر در دهان گرفت‏ چرچیل ناتوان شد و ایدن فغان گرفت‏ امپریالیست تازه نفس را نشان گرفت! آیین شیر شرزه و پیل دمان گرفت! وان هم به یمن همّت گیتی‏ستان گرفت‏ هم‏سان او به قرن،نشان کی توان گرفت؟ هم شرق دل فسرده،پیامش به جان گرفت! وان مرز و بوم،حالت آتش‏فشان گرفت‏ ناصر به دست،پرچم نصرت نشان گرفت‏ از شرق تا به غرب،کران تا کران گرفت‏ کز هر یکیش ملک تواند تکان گرفت‏ با فاسدان،مبارزه‏یی بی‏امان گرفت‏ آفاق درنوشت و زمین و زمان گرفت‏ در رزم،درس باید از این قهرمان گرفت‏ از ناکسان چو داد دل بی‏کسان گرفت‏ ره بر نفوذ و سیطره‏ی هر دوان گرفت‏ بی‏جا نه جای در دل دلداگان گرفت‏ آوخ که زود دولت و بختش خزان گرفت‏ همره شدند و دشمن غدّار،جان گرفت! خورشید از این دو فاجعه در آسمان گرفت‏ خصم انتقام سخت از ایرانیان گرفت! این قهرمان نادره را در میان گرفت‏ اندر جوار رحمت حق آشیان گرفت! این طایر خجسته گر از ما کران گرفت! کز نام او وطن،شرف و عزّو شان گرفت! تا یاد و مدح رهبر آزادگان گرفت!